

بررسی تطبیقی الگوی رایج ریخت‌شناسی شهرهای ایران و اروپا در دوره مقارن با اسلام (مطالعه موردی: شهر ری در ایران و سیه‌نا در ایتالیا)

مهسا امینی حاجی‌باشی - کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
محمود رضایی* - دانشیار و عضو هیئت‌علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
علیرضا بندرآباد - استادیار و رئیس دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۴/۱۸ تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۱۰/۰۷

چکیده

این مقاله به دنبال تمایزات منحصربه‌فرد کالبدی شهرسازی ایرانی-اسلامی در مقایسه با شهرسازی مقارن آن در اروپای قرون وسطی (قرن ۷-۱۴ میلادی) است که در اثر توسعه وضع موجود پدید آمده‌اند. فضاهای معماری و شهری پدیده‌هایی کالبدی هستند که بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و تمدنی یک جامعه را بازتاب می‌دهند؛ از این رو می‌توان آن‌ها را در تجسم بخشی کالبدی تاریخ و فرهنگ جامعه مؤثر به‌شمار آورد. بر این مبنا در سرزمین‌هایی با ادیان و ایدئولوژی‌های متفاوت می‌توان ساخت‌های ریخت‌شناسی مختلفی را مشاهده کرد. کمتر پژوهشی در زمینه ریخت‌شناسی شهری به مقایسه شکل‌گیری کالبدی هم‌زمان دو گونه شهرسازی به شیوه موردی و تحلیل کیفی عناصر و ویژگی‌های شهرسازی پرداخته است. روش پژوهش حاضر کیفی است و این مطالعه با مقایسه تطبیقی به کمک نقشه، مدل‌سازی سه‌بعدی از دو نمونه و مطالعات موردی نمونه‌های متعدد در هر منطقه انجام شده است. استخراج عوامل مشترک از ادبیات شهرسازی و نمونه‌ها براساس بهره‌گیری از ماتریس‌های ارزیابی در مقیاس عناصر بافت (محله، راه، حصار، میدان و...) و تک‌بنا و ویژگی‌هایی مانند سازمان فضایی، ساختار شهری، موقعیت، عملکرد، گونه‌شناسی، الگوی ساخت و مصالح صورت گرفته است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد این دو نوع شهرسازی از نظر سازمان فضایی و شکل توسعه و همچنین ساختار فضایی و نحوه قرارگیری شباهت دارد و غالب تفاوت‌ها در مقیاس‌های خردتر و به‌ویژه در حوزه معماری و عملکرد تک‌بناهاست. امروزه می‌توان از هویت یگانه شهرسازی و معماری ایرانی-اسلامی در ابعاد مختلف شهرسازی در شهرهای کشورمان بهره برد و از نظر ارتباط فضایی، یکپارچگی و توسعه‌های شهری از آن‌ها استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: ریخت‌شناسی (مورفولوژی) شهری، سیه‌نا، شهرسازی ایرانی-اسلامی، شهرسازی قرون وسطایی اروپا، شهر ری.

مقدمه

اصطلاح شهرهای اسلامی و شهرهای قرون وسطی برای عموم پژوهشگران بیانگر هویت ویژه فرهنگی و فضایی است که محیط شهری خود را در تاریخی خاص از غیر آن جدا می‌کند. در این راستا، هریک از پژوهشگران برای نشان دادن این تمایز به دنبال شناخت ابعادی بوده‌اند تا با آن‌ها شهرهای این دوران را به‌عنوان پدیده‌ای منحصر به فرد و دارای هویت معرفی کنند؛ گاه با مسائل کالبدی، گاه با مسائل انسانی و اجتماعی و گاه با شناخت ماهیت و چستی شهر (پوراحمد، ۱۳۹۳: ۶). پرسش اصلی این است که تمایز الگوی کالبدی سازمان فضایی این شهرها در چیست؟ با وجود الگوی کالبدی شهری کلی شامل شهر با برج، بارو و دروازه، راه‌های پیچ‌درپیچ، محله‌های محصور و بافت متراکم برای هر دوی این شهرسازی‌ها، تمایزات کالبدی آن‌ها در کجاست؟

در این مقاله بحث درباره مشخصه‌های کالبدی است که در شهرهای ایران دوران اسلامی در بازه زمانی قبل از دوره صفویه و مقارن با آن در اروپای قرون وسطی (قرن ۷-۱۴ میلادی) هم‌زمان وجود داشته‌اند؛ از این‌رو تمرکز این پژوهش پیرامون ریخت‌شناسی و یافتن معیارهایی برای شهر اسلامی و شهر قرون وسطایی و تمایز این دو شهرسازی است. بحث پیرامون شهر ایرانی-اسلامی و شهر قرون وسطایی همواره مورد توجه پژوهشگران و نظریه‌پردازان بوده است، اما تقریباً هیچ‌یک از آن‌ها به‌طور خاص به روش مقایسه تطبیقی و با انتخاب مطالعات موردی به تشابهات و تمایزات الگوی کالبدی این دو شهرسازی پرداخته‌اند. پاکزاد در مجموعه کتاب‌های تاریخ شهر و شهرنشینی، هم‌زمانی شکل‌گیری شهرهای اسلامی در ایران و شهرهای قرون وسطی در اروپا را ذکر کرده و به تفصیل مؤلفه‌های سازنده این شهرها را به‌صورت مستقل از یکدیگر بررسی کرده است. همچنین بنه‌ولو در کتاب «تاریخ شهر» درباره شکل‌گیری محیط قرون وسطی، انواع شکل‌گیری شهرها در این دوره و پیوند مداوم این شهرها با امروز مفصلاً بحث کرده و عوامل مشترک موجود در شکل‌گیری این شهرها را در نمونه‌های موردی به‌صورت جداگانه به‌دقت بررسی کرده است (پاکزاد، ۱۳۹۲: ۱۸۵-۲۶۴-۱۶۱-۳۷۵؛ بنه‌ولو، ۱۳۸۶: ۳۳-۷۹). در پژوهش‌های دیگر از جمله مطالعات حبیبی، زیاری، نقی‌زاده و... به عامل دین، فرهنگ و ایدئولوژی نظام‌های حاکم اشاره می‌شود که نقشی مهم در ریخت‌شناسی سکونتگاه‌های شهری دارند. بر همین مبنا، نتیجه بر ساخت‌های مورفولوژیکی متفاوت در کشورهایی که ادیان و ایدئولوژی متفاوت دارند، به‌دست می‌آید (حبیبی، ۱۳۹۲: ۳۸-۴۹؛ زیاری، ۱۳۸۲: ۹۷-۱۰۷؛ نقی‌زاده، ۱۳۷۴: ۵۳).

با وجود این پژوهش‌ها، کمتر مطالعه‌ای به‌طور مشخص به مقایسه این دو شهرسازی در یک دوره پرداخته است. همچنین به‌صورت واضح مشخص نشده است که عواملی مانند دین، فرهنگ و ایدئولوژی نظام‌های حاکم، چگونه و در چه مواردی به تفاوت‌ها و منشأ شباهت‌های کالبدی منجر شده‌اند. ضمن اینکه در زمینه ریخت‌شناسی غالب دسته‌بندی‌ها به خیابان، بلوک، قطعه و ساختمان بسنده شده و عوامل فرا دویبعدی طراحی شهری کمتر در تحلیل مورد استفاده بوده است؛ بنابراین این مقاله از آن جهت اهمیت دارد که دیدگاه‌های مرتبط با مفهوم هر کدام از این شهرها کنکاش می‌شود تا بتوان مفاهیم و عوامل عمده شکل‌دهنده به سازمان و ساختار آن‌ها را شناسایی و تمایزات و شباهت‌ها را بررسی کرد.

هدف مقاله حاضر، تحلیل مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی شهرهای ایرانی-اسلامی و شهرهای قرون وسطایی است که در راستای دستیابی به آن، پیشینه تاریخی این شهرها، ویژگی‌های کالبدی و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن‌ها، بررسی و تحلیل شده است. روش پژوهش کیفی و مقایسه‌ای است که به کمک مطالعات موردی و ادبیات مرتبط انجام شده است. ماتریس‌های کیفی نیز در زمینه عناصر و ویژگی‌ها تهیه شده‌اند. مقیاس بررسی از کلان به خرد یعنی از بافت شهر تا تک‌بنا، با تأکید بر مؤلفه‌های کالبدی است؛ بنابراین هرچند در پژوهش اصلی مؤلفه‌های غیر کالبدی و طبیعی نیز

ملاحظه شده، در نوشتار حاضر مورد نظر نبوده است. همچنین این مقاله در انتخاب نمونه‌ها تنها به شهرهایی که بر وضع موجود توسعه یافته و نوبنیاد نبوده‌اند اکتفا داشته است.

مبانی نظری

ریخت‌شناسی (مورفولوژی) شهری

اندیشیدن درباره فرایند ساخت شهر در بستری تاریخی نیازمند رویکردی خاص است. این مقاله با توجه به رویکرد مورفولوژی شهری که یکی از مهم‌ترین رویکردهای کالبدی به شهرهاست به مطالعه این فرایند پرداخته است. با توجه به تعاریف و نظریه‌های موجود می‌توان گفت مورفولوژی شهری مطالعه طرح ترکیب فرم و فضای شهری است که به طراحان شهری کمک می‌کند با الگوهای محلی توسعه و روندهای تغییر آشنا شوند (محملی ایبانه، ۱۳۹۰: ۱۶۱؛ پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱). مطالعات مورفولوژی شهری در دوره‌های مختلف و همچنین متأثر از نگاه‌های متفاوت، تفاوت‌هایی را در شیوه مطالعه و محصول نهایی داشته‌اند که در قالب مکاتب انگلیسی، ایتالیایی و فرانسوی دسته‌بندی شده‌اند که «مکتب ایتالیایی یک بنیان نظری برای برنامه‌ریزی و طراحی در چارچوب سنت‌های کهن شهرسازی ارائه می‌کند، مکتب انگلیسی رویکردی علمی برای پژوهش چگونگی ساخت منظر مصنوع پیش می‌نهد و مکتب فرانسوی شیوه‌ای جدید ترسیم می‌کند که بررسی منظر مصنوع را با نگاه نقادانه به تئوری طراحی ترکیب کرده است» (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲).

درنهایت با بررسی این دیدگاه می‌توان گفت فرایند ساخت شهرها با مطالعه ساختار و سازمان فضایی شهرها، از روی سیر تاریخی و با مبنا قراردادن گونه‌شناسی بناها و همچنین بررسی هم‌زمان ابعاد معماری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قابل‌درک است. آنچه در این سه مکتب، به‌ویژه کازن به‌عنوان دستمایه تحلیل کالبدی بافت شهر مدنظر بوده، خیابان‌بندی، بلوک‌ها و قطعات شهری و تک‌بناها در برنامه شهر است. الگوی کاربری اراضی و فرم‌های ساختمانی نیز در مطالعات مربوط مدنظر قرار گرفته است (وایت هند، ۲۰۰۸، ۸-۱).

شکل‌گیری نخستین شهرهای ایرانی-اسلامی و اروپای قرون وسطی

پس از ورود اسلام به ایران سیاست شهرسازی خاصی تدوین شد و به‌طور عمده دو گونه شهر شکل گرفت؛ شهرهای توسعه بر وضع موجود و شهرهای نوبنیاد.^۱ دسته اول شهرهایی را شامل می‌شوند که دروازه‌های خود را به روی اسلام گشودند و در دوره جدید رنگ و بوی اسلامی گرفتند (نقی‌زاده، ۱۳۷۴: ۴۸؛ اشپولر، ۱۳۸۶: ۳۶-۳۷؛ اشرف، ۱۳۵۳: ۱۴-۱۵؛ حبیبی، ۱۳۹۲: ۵۰-۵۳). احمد اشرف شهرنشینی در دوره اسلامی را ناشی از ادامه یافتن و دگرگونی زندگی شهری ساسانی دانسته است. همچنین دلیل رونق شهرنشینی را گسترش بازار و بازرگانی دانسته و این‌گونه بیان می‌کند که هنگام حمله اعراب به ایران، شهرنشینی در این منطقه رونق داشته است و در نتیجه اعراب برای استقرار حکومت اسلامی کار شهرسازی و شهرگرایی را دنبال کردند. او کاسته شدن از اهمیت شهرستان و اهمیت یافتن روض و انتقال شهر از شهرستان به سوی روض (بیرون شهرها) را الگوی کلی شهرسازی ایرانی اسلامی می‌داند (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۰-۱۵). پاکزاد گسترش شهرهای اسلامی در قلمرو ایران زمین را به‌واسطه تصرف قلعه یا کاخ ساسانی به دست مسلمانان و سکونت به‌صورت مجموعه‌های قبیله‌ای در بیرون و حاشیه قلعه‌ها (روض)- به دلیل غصبی بودن محل تصرف شده- و برپایی مسجد جامع می‌داند. این مجموعه‌های قبیله‌ای (اردوگاه‌ها) نطفه اولیه محله‌ها و گروه‌ها و قبایل مختلف را

۱. این مقاله به بررسی شهرهایی پرداخته است که پیشینه تاریخی دارند و توسعه بر وضع موجود نامیده می‌شوند.

به‌وجود آوردند. با گذشت زمان نیز این محله‌ها به مشخصه‌های شهر ایرانی اسلامی تبدیل شدند. همچنین به‌دلیل تبدیل تدریجی این اردوگاه‌ها به محله‌ها و مجزابودن آن‌ها از یکدیگر، گسترش شهر به‌صورت ارگانیک و بدون نقشه پیشین به‌وقوع پیوست و تغییر نطفه شهر از دژ به مسجد جامع را بیان می‌کند (پاکزاد، ۱۳۹۲: ۱۷۲-۱۷۳).

حییبی پایگاه‌های نظامی را هسته جدید شهر ایرانی اسلامی می‌داند و سیاست دولت مبنی بر اهمیت‌بخشیدن به ریح را بخشی از شهر بیان می‌کند که مردمی خارج از طبقات اجتماعی در آن می‌زیستند. نتیجه این سیاست را نیز گسترش ریح و ضعیف و مهجور شدن شارستان می‌داند. به‌عقیده حییبی پایگاه‌های نظامی برای از رونق انداختن شهرهای قدیمی، در کنار شهر کهن یا فاصله‌ای اندک از آن برپا می‌شدند که نتیجه آن از رونق افتادن شارستان و گردآمدن مردم به دور هسته جدید حکومتی و برپایی شهر جدید بود (حییبی، ۱۳۹۲: ۵۰-۵۲).

اشپولر شهر در زمان قدیم را به‌صورت مربع همراه با خیابان‌های تنگ توصیف می‌کند که در اطراف قلعه‌ای (موسوم به دژ) با شهرک مسکونی (شهرستان) یکجا بوده‌اند. محله‌های خارجی شهر (ریض = بیرون) و ناحیه تجاری نیز اصولاً خارج شهر قرار داشت. این محله‌ها و نواحی تجاری متأثر از اعراب به داخل حصار کشیده شده‌اند. همچنین نقطه مرکزی حیات عمومی را تشکیل داده و زمینه توسعه بازار را به وجود آورده‌اند. برتولد نیز مانند بسیاری از صاحب‌نظران دیگر، ریح (محله‌های خارجی) را نطفه شهر ایرانی اسلامی می‌داند (اشپولر، ۱۳۸۶: ۴۰-۴۱).

از دیدگاه موریس، قرون وسطی آغاز عصر توسعه شهرنشینی در اروپا بوده و از نظر سیاسی-اقتصادی و اجتماعی بسیار پیچیده به‌شمار می‌آمده است. پاکزاد نیز به پیچیدگی کالبدی و تنوع بی‌نظیر شکل‌گیری مجدد شهرنشینی در اروپای قرون وسطی اشاره می‌کند. مانند شهر ایرانی پس از اسلام، اروپای قرون وسطی نیز با دو مدل شهرهای توسعه بر وضع موجود و شهرهای نوین یاد روبرو بوده است. بر همین اساس شهرهای رومی مبدأ، باروهای نظامی و رشد طبیعی روستاها پدیدار می‌شوند (موریس، ۱۳۷۴: ۹۵؛ بنه‌ولو، ۱۳۸۶: ۳۵-۴۳؛ پاکزاد، ۱۳۹۲: ۱۹۹-۲۱۷؛ مامفورد، ۱۳۸۱: ۴۱۷). بنه‌ولو در تعریف فرم شهرهای توسعه بر وضع موجود قرون وسطی این‌گونه بیان می‌کند که «فرهنگ قرون وسطایی برخلاف فرهنگ عهد باستان کوششی در برقراری الگوهای مشخص ندارد و ارائه توصیفی کلی از شکل شهر را غیرممکن می‌کند. شهرهای قرون وسطایی تمام شکل‌های ممکن را داشتند و آزادانه خود را با تمام اشکال ممکن جغرافیایی و موقعیت‌های تاریخی انطباق می‌دادند» (بنه‌ولو، ۱۳۸۶: ۵۶).

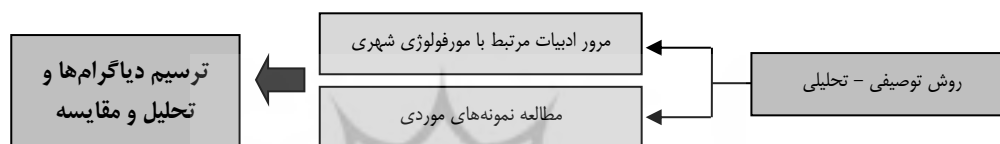
به عقیده لویس مامفورد شهرهای سده میانه، با وجود تنوعی که دارند از الگویی جهان‌شمول پیروی می‌کنند. همین خروج از قواعد سنتی و بی‌نظمی‌هایشان قوت آن‌ها بوده است و این شهرها از نظر ترکیب، آمیزش نیازهای عملی و بینش زیباپسندی هوشیارانه و دقیق عمل کرده‌اند. بیشتر ویژگی‌ها و سیمای طرح این شهرها ناشی از حوادث و رویدادهای تاریخی است و دگرگونی این شهرها در بیشتر موارد به‌صورت ناآگاهانه صورت گرفته است (مامفورد، ۱۳۸۱: ۴۱۹-۴۲۰).

موریس نیز نگاهی مانند مامفورد دارد و شهرهای قرون وسطی را این‌گونه تعریف می‌کند: «این شهرها، هر کدام از موضوع و حالت خاص خود آغاز به رشد کرده‌اند و در مجموع، منظومه بی‌همتایی از نیروهای شکل‌دهنده را نمایش می‌دهند. این شهرها فارغ از منشأ ظهورشان از زمینه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشترکی در همه کشورهای اروپایی برخوردار بودند و بسیاری از جزئیات بصری این شهرها مشابه یکدیگر بوده است» (موریس، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

از دیدگاه گالیون در کتاب «الگوی شهرسازی» شهر قرون وسطی شهری است که مطابق با ویژگی‌های توپوگرافی زمین طراحی می‌شد و زمین‌های ناصاف و تخته‌سنگی بیشتر برای ساختن شهر کاربرد داشت (به‌دلیل اهمیت دفاعی این زمین‌ها). همچنین سیرکولاسیون و فضای ساخت‌وساز از این ویژگی‌های نامنظم الگو می‌گرفت و به‌طور طبیعی ایجاد می‌شد و خاصیت و سرشت غیررسمی داشت. همه شهر از منطقی‌سازی پیروی می‌کرد که مشخصه اصلی معماری را از ساختمان‌های رومی و گوتیک اولیه گرفته بود (گالیون و همکاران، ۱۹۶۳، ۳۳-۳۹).

روش پژوهش

این مقاله در راستای بررسی الگوی کلی کالبدی شهرسازی ایرانی-اسلامی و شهرسازی قرون وسطایی اروپاست که در بازه زمانی ورود اسلام در ایران تا قبل از شروع دوره صفویه و مقارن با آن در اروپای قرون وسطی، یعنی قرن ۷-۱۴ میلادی مطالعه شده است.^۱ برای این منظور مطالعات موردی و تطبیقی شهرهای مختلفی که در اثر توسعه وضع موجود پدید آمده و تاکنون حیات داشته است (مانند اصفهان، تبریز، شهر ری به‌عنوان شهر ایرانی-اسلامی و پاریس، ونیز، سیه‌نا به‌عنوان شهر غیرایرانی-قرون وسطایی) علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفت. پس از استخراج عناصر و ویژگی‌های مشترک، شهر سیه‌نا در اروپا و ری در ایران به‌عنوان نمونه‌هایی برای مدل‌سازی سه‌بعدی انتخاب شدند تا اجزای استخراج‌شده از مبانی نظری مقاله در این دو مدل شبیه‌سازی و تحلیل شود. با توجه به مبانی نظری و مطالعات موردی، ریخت‌شناسی کالبدی از مقیاس کلان بافت شهر تا مقیاس خرد تک‌بنا صورت گرفته است. عناصر مقیاس کلان یعنی بافت شهر براساس عناصر پنج‌گانه لینچ به‌صورت محله، شبکه راه و راسته بازار، دروازه، حصار و میدان مرتب شده است. ویژگی‌های ریخت‌شناسی نیز شامل سازمان فضایی، ساختار شهر، موقعیت، عملکرد، گونه‌شناسی، الگوی ساخت و مصالح است.



شکل ۱. دیاگرام توصیف و تحلیل داده‌ها

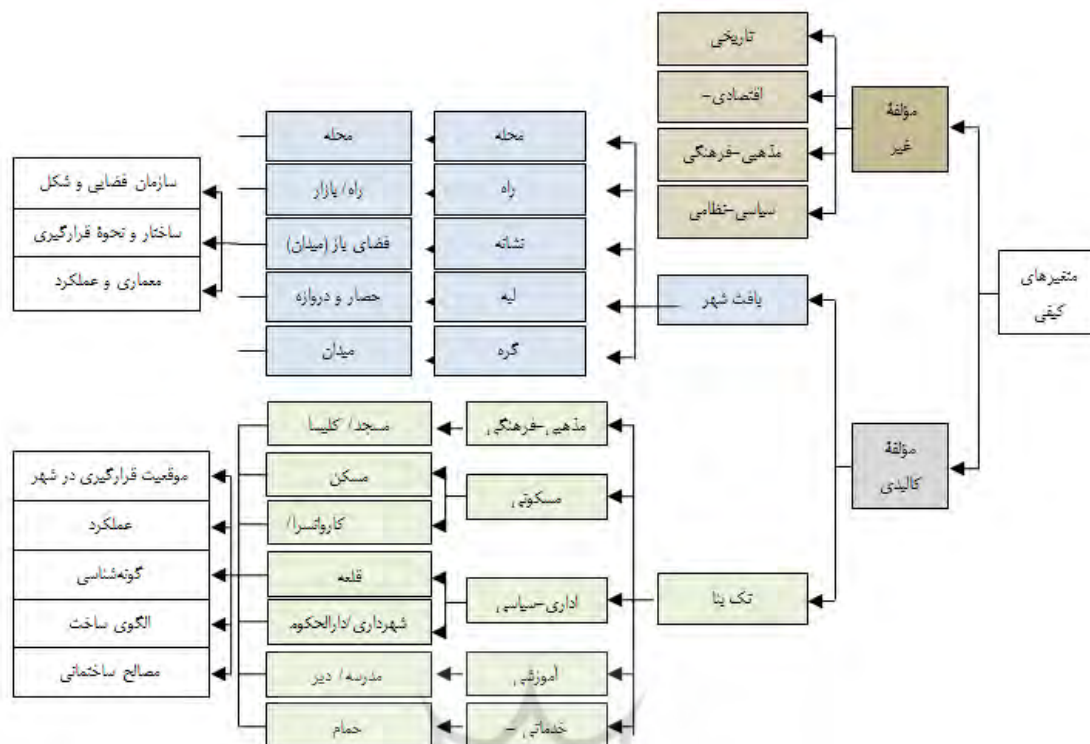
منبع: نگارندگان

متغیرهای این پژوهش کیفی است. مطالب پس از مطالعه اسناد کتابخانه‌ای، به‌صورت دیاگرام و مدل‌سازی سه‌بعدی تحلیل شدند. هرچند در پژوهش اصلی، مؤلفه‌های غیرکالبدی علاوه بر مؤلفه کالبد مدنظر قرار گرفته است، در این مقاله تنها بر مکتب انگلیسی ریخت‌شناسی کانزن تأکید شده و به جنبه‌های تاریخی مکتب ایتالیایی و تعاملات اجتماعی مکتب فرانسوی توجهی نشده است؛ بنابراین مؤلفه‌های کالبدی در دو دسته عناصر اصلی بافت شهری و تک‌بنا با ماتریس ارزیابی ویژگی‌های فوق مقایسه شدند. همچنین مقصود اصلی، بررسی الگوی رایج شهرهای این دوره بوده و نمونه‌های استثنایی مدنظر نبوده است.

در مؤلفه کالبدی بافت شهر، داده‌ها منطبق بر عناصر پنج‌گانه مشهور لینچ یعنی محله، میدان (گره)، فضاهای تجاری بازار (راه)، حصار و دروازه (لبه و نشانه) تقسیم شده‌اند. سپس در سه مقیاس کلان (سازمان فضایی و شکل توسعه)، میانی (ساختار و نحوه قرارگیری) و خرد (معماری، عملکرد عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده بافت شهر) تحلیل شده‌اند. همچنین در مؤلفه کالبدی تک‌بنا، داده‌ها از نظر کاربری دسته‌بندی شده و هر یک از عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده شهر (مسجد و کلیسا، مسکن، قلعه، کاروانسرا، حمام، مدرسه، ساختمان شهرداری و...) در کاربری‌های مربوط به خود بررسی و از نظر «موقعیت قرارگیری در شهر»، «مصالح ساختمانی»، «عملکرد»، «گونه‌شناسی» و «الگوی ساخت» تحلیل شده‌اند.^۲

۱. در حوزه انسانی نیز از نظر اقتصادی-اجتماعی، مذهبی-فرهنگی و سیاسی-نظامی این دو نوع شهرسازی ارزیابی و بررسی شدند، اما تأکید این مقاله تنها بر بعد کالبدی این دو نوع شهرسازی است.

۲. نظام تقسیم‌بندی‌ها در این نمودارها بر مبنای تقسیم‌بندی‌های ذکرشده برای عناصر و اجزای سازنده شهر با توجه به برخی منابع مانند موریس، ۱۳۹۲؛ بنه ولو، ۱۳۸۶؛ پاکزاد، ۱۳۹۲ و دیگر صاحب‌نظران این حوزه است.



شکل ۲. دیاگرام تقسیم‌بندی متغیرهای کیفی
منبع: نگارندگان

بحث و یافته‌ها

با مرور ادبیات تخصصی مرتبط با ریخت‌شناسی شهری، شهر ایرانی-اسلامی و شهر غیرایرانی-قرون وسطایی، همچنین بررسی نمونه‌های موردی، به استخراج عناصر و اجزای این دو نوع شهرسازی و نظام تحلیل و دسته‌بندی ریخت‌شناسی شهری پرداخته شد.

تحلیل عناصر سازنده الگوی کالبدی شهرسازی

بازار و راسته‌های تجاری: بازار عنصر اساسی سازمان‌دهی شهر دوره اسلامی است که با توجه به سنت باقی‌مانده از شهر دوره ساسانی و اشکانی شکل گرفته است و محور اصلی و مرکز اقتصادی شهر اسلامی به‌شمار می‌رود. هسته اولیه بیشتر بازارهای شهرها، حوالی یکی از پر جنب‌وجوش‌ترین دروازه‌هاست و شریان اتصال‌دهنده دروازه‌ها به مرکز شهر محسوب می‌شود. جریان اصلی مسیر بازار که به‌طور سنتی از یکی از دروازه‌های اصلی شهر آغاز می‌شود، درون شهر ادامه می‌یابد، در فضای مسجد به اوج خود می‌رسد و سپس به دروازه مقابل ختم می‌شود. مسجد جامع و ارگ به‌عنوان دو قطب جاذب مهم، بازار را به‌سوی خود می‌کشند و به همین دلیل رابطه‌ای تنگاتنگ میان ارگ، جامع و دروازه‌های اصلی شهر وجود دارد و نوع کالاهای مورد دادوستد به نزدیکی و دوری به این عناصر وابسته است. مسجد جامع سبب تغییر مهم در سازمان کالبدی بازار و تنظیم فضایی آن می‌شود و به عبارتی راسته‌های بازار با توجه به دوری و نزدیکی به مسجد جامع شکل می‌گیرند. بازار نیز مانند مسجد از اشکال بسیار ساده آغاز می‌شود و در تحول خود به پیچیدگی فضایی و انتظام کامل دست می‌یابد و مانند مسجد محلی برای خودنمایی حکومت‌های محلی و منطقه‌ای به‌شمار می‌آید. در این میان، شهر اسلامی در تحول خویش به دور بازارها تنیده می‌شود؛ یعنی ابتدا بازار و میدان ساخته می‌شدند و سپس

مردمان به‌گونه‌ای کاملاً آزاد به دور آن‌ها سکنی می‌گرفتند و محله‌ای جدید برپا می‌شد. به همین دلیل از بازار به‌عنوان ستون فقرات شهر اسلامی یاد می‌شود (حبیبی، ۱۳۹۲: ۴۶-۴۸؛ کیانی، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۷؛ سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۷۶؛ اردلان و بختیار، ۱۳۹۰: ۴۷؛ پاکزاد، ۱۳۹۲: ۵۳۱-۵۳۲؛ رضایی، ۱۳۹۲: ۱۷۷؛ ابولقد، ۱۹۸۷؛ اسپاهیچ، ۲۰۰۵).

همان‌گونه که موریس اشاره می‌کند دلیل اصلی وجود شهرهای قرون‌وسطی امکانات تجارت بوده است و همه شهرهای این دوره حداقل شامل یک فضای باز بودند که به‌عنوان راسته بازار عمل می‌کردند. موریس به نقل از هوسمان بیان می‌کند: «وجود چنین فضاهای خاص تجاری در شهر نباید مانع درک این حقیقت شود که درواقع همه شهر قرون‌وسطی به‌طور کلی بازار بوده است. تجارت و تولید در تمامی شهر گسترده بوده است، در فضاهای باز و فضاهای بسته، در فضاهای عمومی و فضاهای خصوصی» (موریس، ۱۳۹۲: ۱۰۵). به گفته مامفورد در شهرهایی که به‌صورت طبیعی بزرگ شده‌اند، بازار شکل منظمی ندارد و به‌صورت خودجوش و بدون نظم به‌وجود آمده است. مکان منطقی دیگر برای توسعه تجارت، بلافاصله پس از ورود به شهر و در کنار دروازه است (مامفورد، ۱۳۸۱: ۴۲۵).

محله: عنصر شکل‌دهنده شهرهای اسلامی، مجموعه فضاهای مسکونی داخل حصار است که محله‌های متراکم را سازمان می‌دهند. محله‌های شهری یکی از عناصر اصلی زندگی شهری در دوره اسلامی به‌شمار می‌روند (کوننو، ۱۳۸۴: ۷۱). شکل‌گیری محله‌های مسکونی بر پایه پیوندهای قبیله‌ای بوده و عامل مذهب نیز به‌عنوان عامل هم‌بستگی محلی محسوب می‌شده است. درواقع محله‌ها، هرچند ارتباط اقتصادی محدودی با هم داشتند، جلوه‌گاه تضادها و پراکندگی‌های قومی و مذهبی بودند. همان‌گونه که دکتر حبیبی بیان می‌کنند: «هنگام تشکیل امپراتوری اسلامی از تشکیل محله‌ها برحسب نظام کاستی یا شهروندی خاص خبری نیست، ولی در مقابل با ایجاد محله‌هایی برحسب قوم و قبیله، نژاد، مذهب، زبان، فرقه و... مواجه هستیم» (حبیبی، ۱۳۹۲: ۴۸). همچنین سیستم تقسیم محله‌ها نیز برگرفته از سیستم تیولداری بوده است. همچنین اتصال محله به کمک راه اصلی به بازار شهر یا امتداد راه اصلی منتهی به بازار بوده و فضای داخلی محله، جنبه‌ای نیمه‌عمومی داشته است (حبیبی، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۹؛ سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۰۱؛ اشرف، ۱۳۵۳: ۱۹؛ پاکزاد، ۱۳۹۴). همچنین محله یکی از اجزای بافت شهر قرون‌وسطایی محسوب می‌شود. در این شهرها به‌واسطه ارگانیک‌بودن شهر، محله‌ها نیز به‌صورت ارگانیک شکل گرفته‌اند. اصولاً محله‌ها کلیسای مخصوص به خود داشتند که نام محله نیز از همین کلیسا گرفته می‌شود. همچنین به‌دلیل بافت فشرده شهری محله‌ها نیز در شهرهای این دوره بسیار متراکم و فشرده شکل گرفته‌اند و خانه‌ها به شکل عمودی درون محله‌ها رشد کرده‌اند (مامفورد، ۱۳۸۱: ۴۲۹؛ بنه‌ولو، ۱۳۸۶: ۵۸).

حصار (بارو) و دروازه: بارو یکی از پنج نکته‌ای است که ماکس وبر با مقایسه تاریخی شهرهای مختلف، برای جوامع شهری به آن اشاره کرده است (پویچ، ۲۰۱۰: ۱). سور (بارو) از عناصر مهم بیشتر شهرهای ایران بود که به‌منظور جلوگیری از هجوم قبایل چادرنشین و نیروهای مهاجم ساخته می‌شد. ارتفاع بعضی از باروها به ده متر می‌رسید و عرض بالای برخی از آن‌ها به‌گونه‌ای بود که چهارپایان به‌راحتی روی آن حرکت می‌کردند. احداث بارو تنها به شهرها منحصر نبوده است و اطراف برخی روستاهای آباد نیز باروهایی ساخته می‌شد (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۴۴-۲۴۷). شکل باروها همگام با پیشرفت سلاح‌ها تکامل می‌یافت و نوع استحکامات بر پایه عواملی مانند اوضاع طبیعی سرزمین بود. با کشیده‌شدن بارو به دور شهر یک یا چند دروازه در امتداد بارو برای رفت‌وآمد در نظر گرفته می‌شد و درواقع دروازه‌ها نقش مفصل درون و بیرون شهر را بازی می‌کردند. (پاکزاد، ۱۳۹۲: ۵۲۶-۵۲۹).

حصارها و دروازه‌ها از عناصر سازنده و حاکم بر حس و حال شهرهای قرون‌وسطی بودند (پاکزاد، ۱۳۹۲: ۲۲۲). از نظر موریس داشتن استحکامات دفاعی امری حیاتی برای شهرهای پروتق و بزرگ قاره اروپا به‌شمار می‌آمد و رشد افقی شهر

مستلزم ساختن حصار جدید بود (موریس، ۱۳۹۲: ۱۰۴). در شهرهای این دوره حدی که کالبد شهر را معین می‌کرد حصار بود که علاوه بر نقش دفاعی و نظامی، ارزش نمادین نیز داشت (مامفورد، ۱۳۸۱: ۴۳۲). مسیر باروها از توپوگرافی محل تبعیت می‌کرد و فرم آن‌ها به گونه‌ای بود که توانایی محافظت از حداکثر مساحت زمین با حداقل طول بارو را داشتند (پاکزاد، ۱۳۹۲: ۲۲۳؛ بنه‌ولو، ۱۳۸۶: ۵۸).

مسجد و کلیسا: مسجد جامع نخستین مکانی است که به هنگام فتح یک شهر توسط مسلمانان ساخته می‌شود، یا معبد، آتشگاه یا کلیسایی بدان منظور تغییر شکل می‌یابد. مسجد یکی از ارزشمندترین اجزای شهر اسلامی است که کاربردهای بسیاری دارد و اهمیت آن در شهرها به حدی است که سکونتگاهی به مقام شهر می‌رسید که مسجد جامع داشته باشد (حبیبی، ۱۳۹۲: ۴۲؛ کیانی، ۱۳۸۴: ۸-۹؛ اسپاهیچ، ۲۰۰۵: ۱۳۰). جامع در محل مناسبی در کنار شاهراه اصلی یا در محل برخورد شاهراه‌های اصلی شهر قرار می‌گرفت و ساختمان‌های اصلی در کنار آن واقع می‌شد. همچنین به‌نحوی ارگانیک با بازار، کاخ، مدارس و مانند این‌ها ارتباط برقرار می‌کرد، خانه‌های شخصی در مجاورت آن ساخته می‌شد و شکل‌گیری شهر به‌شیوه‌ای ارگانیک حول آن صورت می‌گرفت (نصر، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۱).^۱ مامفورد بنای کلیدی در طرح شهر سده‌های میانه را، کلیسای جامع شهر می‌داند. این بنا از هر نظر (به‌جز نظرگاه هندسی) حالت مرکزیت دارد. جهت استقرار کلیسا از نظر مذهبی، به گونه‌ای است که محراب آن رو به شرق قرار می‌گیرد. به همین دلیل غالباً با الگوهای عادی خیابان‌ها همخوان نیست (مامفورد، ۱۳۸۱: ۴۲۴؛ پاکزاد، ۱۳۹۲: ۲۵۲). به عقیده موریس صحن کلیسا یکی از فضاهای باز قرون وسطایی است که به آن پارویس^۲ می‌گویند. قرارگیری پارویس در بسیاری موارد در کنار و چسبیده به فضای بازار و در نتیجه تشکیل هسته‌ای دوبرخی بوده که به یکی از ویژگی‌های شهرهای قرون وسطی مبدل شده است (موریس، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

میدان: جنبه اداری-نظامی و تشریفاتی میدان، مهم‌ترین کارکرد آن بوده است، اما میدان‌ها کارکردهای تفریحی، سیاسی و بازرگانی نیز داشته‌اند و به‌طور معمول در دو مقیاس شهری و محلی عمل می‌کردند. در گونه اول میدان اصلی محله که به آن مرکز محله نیز می‌گفتند، به‌طور معمول مسجد، آب‌انبار و چند دکان قرار می‌گرفت. گونه دیگر میدان‌هایی بودند که در سطح شهر کار می‌کردند و از نظر سلسله‌مراتب اهمیت و جایگاه متفاوتی داشتند. «میدان شهر» یا «میدان ارگ» نقش مفصل میان سه قطب اداری (ارگ)، تجاری (بازار) و مذهبی (مسجد) شهر را داشتند (پاکزاد، ۱۳۹۲: ۵۵۲-۵۵۳).

میدان اصلی در شهر قرون وسطی به‌منظور فعالیت‌های تجاری استفاده می‌شد. فضای باز جلوی کلیسا (پارویس) برای تجمع مردم و مراسم مذهبی بود و بعدها کاربردی تجاری داشت. میدان‌ها فضایی محصور و بی‌شکل و در ترکیب با راه‌ها به‌وجود می‌آمدند و از فرم هندسی خاصی پیروی نمی‌کردند. همچنین محل تلاقی عبور و مرورها و عملکردهای شهر و محل استقرار ساختمان‌های مهم بودند و نقش‌های متعدد بازرگانی، مذهبی، تشریفاتی، سیاسی و تفریحی داشتند (پاکزاد، ۱۳۹۲: ۲۳۰-۲۳۵).

شبکه خیابان‌ها: خیابان‌های تنگ و باریک و مارپیچی از کوچه‌های پرپیچ‌وخم و غالباً به‌صورت سربویشیده بوده‌اند. بی‌قاعدگی موجود در این خیابان‌ها در تضاد با نظم هندسی مسجدها، بر اهمیت مسجدها تأکید می‌کرد. در شهر ایرانی-اسلامی راسته‌های شهری که رابط میان دروازه‌های شهر بودند، ترافیک عبوری شهر را درون خود جای می‌دادند. بازار شهر صرف‌نظر از شکل هندسی اجزای آن، در پرفت‌وآمدترین راسته‌های شهری قرار می‌گرفت. راسته محله همگانی‌ترین معبر در سطح محله و رابط میان محله‌های مختلف با هم یا با بازار شهر بود. همچنین گذر، معبری بود که

۱. برای مطالعه روند دگرگونی و تحول مسجد جامع در شهر به پایان‌نامه نگارنده ارجاع داده می‌شود.

دسترسی به مجموعه‌های مسکونی را فراهم می‌کرد و به‌طور معمول یک دهانه آن به بازارچه و دهانه دیگر به دروازه ختم می‌شد (پاکزاد، ۱۳۹۲: ۵۵۰-۵۵۲؛ بنه‌ولو، ۱۳۸۶: ۹-۱۰).

بنه‌ولو به بی‌نظمی در شبکه خیابانی شهرهای قرون وسطایی اشاره می‌کند و متذکر می‌شود که علی‌رغم این بی‌نظمی، انتظام خیابان‌ها به‌گونه‌ای است که شکل فضایی یکپارچه‌ای را القا کند و امکان جهت‌یابی و درک کلی از محله یا شهر موجود باشد (بنه‌ولو، ۱۳۸۶: ۵۶). موریس به کشیده‌شدن خیابان‌های اصلی از دروازه‌ها تا مرکز شهر اشاره می‌کند؛ زیرا خیابان‌ها تداوم فضای بازار بودند و خطوط اصلی ارتباطی محسوب می‌شدند (موریس، ۱۳۹۲: ۱۰۵). مامفورد معتقد است پیچ‌وخم خیابان‌ها موجب می‌شود عابر در هر لحظه بنای تازه‌ای را کشف کند. همچنین به طاق نمای مزین سراسری دو طرف خیابان‌های عریض به‌عنوان پیشخوان مغازه‌ها اشاره می‌کند (مامفورد، ۱۳۸۱: ۴۲۸).

خانه‌های مسکونی: خانه‌های مسکونی کوچک‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده محله‌های مسکونی به‌شمار می‌روند. در ایران پس از اسلام به‌دلیل باورهای مذهبی خانه‌ها ساختاری درون‌گرا داشتند و بازشوها به حیاط درونی گشوده می‌شدند. همچنین دارای فرم حیاط مرکزی بودند و به‌طور متوسط حداکثر در دو طبقه ساخته می‌شدند. مصالح بومی خشت، گل و آجر برای ساخت دیوار اصلی منازل و سنگ و چوب برای پی ساختمان و بازشوها استفاده می‌شده است (اشپولر، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۸-۳۹). بیشتر خانه‌های شهرهای اروپایی قرون وسطی برون‌گرا- به جهت استفاده از طبقه همکف برای تجارت- با ایوانی در جلو و قوس‌هایی نیم‌دایره، همراه با بازشوهایی متعدد ایجاد می‌شدند. سقف خانه‌ها شیب‌دار بود و کمبود جا در محدوده شهر سبب گسترش عمودی خانه‌ها (بیش از دو طبقه) می‌شد (پاکزاد، ۱۳۹۲: ۲۳۹-۲۴۳). حفاظت از گرما در اقلیم و آب‌وهوای سرد و منطقه محدود شهر، علت ساخت خانه‌ها در ردیف‌های متصل در طول خیابان‌های باریک بوده است. در ساخت این خانه‌ها عموماً از صالح بومی محل نظیر سنگ و چوب استفاده شده است (گالیون و همکاران، ۱۹۶۳: ۳۳-۳۹). در ادامه پس از مشخص کردن و تدقیق این نظام تحلیل و دسته‌بندی ریخت‌شناسی شهری، برای دستیابی به تمایزات و شباهت‌های شهرسازی ایرانی-اسلامی و غیرایرانی-قرون وسطایی و همچنین دستیابی به ویژگی‌های منحصر به فرد این دو، به بررسی این نظام تحلیل در دو نمونه مدل‌سازی شده از این دو نوع شهرسازی پرداخته می‌شود.



شکل ۴. سازمان فضایی شهر سیه‌نا
منبع: نگارندگان

شکل ۳. سازمان فضایی شهر ری
منبع: نگارندگان

سازمان فضایی و ساختار فضایی شهر ری^۱ و سیه‌نا^۲

سازمان فضایی شهر ری: سازمان فضایی این شهر مانند سایر نمونه‌های انتخابی، ترکیبی ارگانیک و بافتی فشرده دارد. در این شهر با کمترین مزاحمت، فضاهای خصوصی یعنی خانه‌ها در کنار بازار و مسجد واقع شده‌اند. حصار شهر از

۱. ری، تاریخی طولانی مربوط به قبل از اسلام دارد. بعد از اسلام نیز با پذیرفتن عناصر شهر اسلامی در طول تاریخ تطور خود نمونه بارزی از شهر ایرانی-اسلامی است.

۲. شهر سیه‌نا نمونه‌ای کامل از شهر قرون وسطایی است که در کل بدون تغییر باقی مانده و هنوز محل سکونت است و ویژگی‌های اصیل خود را حفظ کرده است.

خطوط توپوگرافی زمین تبعیت می‌کند. ترکیب فضایی محله‌ها و شهر ابعادی نمادین و رشدی ارگانیک دارد و وجود عنصر مرکز محله و همچنین مسجد و تأسیسات مختص به آن را شاهد هستیم. در شکل ۳، بافت ارگانیک محله‌ها، راه‌ها و مرکز محله به‌عنوان فضای باز درون محله نشان داده شده است.

ساختار فضایی شهر ری: در بررسی ساختار فضایی شهر ری می‌بینیم که مسجد جامع^۱ قلب تپنده و نقطه اصلی شهر بوده است که همه اتفاقات مذهبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی در آن رخ می‌دهند. بازار نیز ستون فقرات شهر بوده است که از دروازه‌های اصلی شروع می‌شده و در مسیر خود محله‌ها را تشکیل می‌دهد. سپس جامع را دربرگرفته و تا دروازه بعدی ادامه یافته است. راه‌هایی که از بازار منشعب می‌شوند، کاملاً ارگانیک هستند و پرسپکتیوهای زیادی را به‌وجود می‌آورند. انشعابات بازار گاهی به کاروان‌سراها و گاهی به قسمت‌های کاملاً درهم‌تنیده وصل شده است و این فضاها بدون هیچ قلمرو فضایی که بخواهد آن‌ها را به‌صورت جدی از هم جدا کند، آهسته و پیوسته به هم تبدیل شده‌اند.

سازمان فضایی سیه‌نا: سیه‌نا نیز مانند دیگر شهرهای قرون وسطایی مطابق با ویژگی‌های توپوگرافی زمین طراحی شده است. حصار شهر که از این خطوط تبعیت می‌کند، به همراه دروازه‌های متعدد مفصلی میان درون و برون و به‌صورت مجموعه‌ای مترکم و درهم‌تنیده است. بیشتر ویژگی‌ها و سیمای طرح آن ناشی از حوادث و رویدادهای تاریخی است. شهر به موازات پیچ‌های سه رشته تپه‌ماهورها، شکل گرفته است. در جایی که سه بخش شهر از یکدیگر جدا می‌شود، میدان کمپو^۲ که در گذشته بازارگاه بود، به‌سوی پلازو پابلیکو^۳ یا همان تالار شهر نشیب می‌کند که برج نازک مناره ماندی که اهالی «ایل منجیو^۴» می‌نامند تا بلندای کلیسای جامع سر برآورده است (شکل ۴).

ساختار فضایی سیه‌نا: شهر سیه‌نا از چند بخش سیاسی تشکیل شده است. هر بخش میدان مرکزی کوچکی دارد که همه آن‌ها در یکی از زیباترین میدان‌های جهان متمرکز شده‌اند. دسترسی‌های شهر کاملاً تابع وضعیت توپوگرافی زمین است و در میدان مرکزی کامپو تلاقی می‌کنند. این میدان فضای باز و محل تجمع در شهر است و ساختمان‌های مهم دولتی و عمومی، مانند تالار شهر و ساختمان شهرداری در اطراف آن قرار دارند. کلیسای جامع نیز به‌عنوان قطب مذهبی شهر، هسته‌ای دویخشی با میدان اصلی شهر به‌وجود آورده است. در مسیر گذرهای اصلی که حالت منظم‌تری از معابر باریک دارند، دکان‌ها قرار گرفته‌اند. این گذرها از دروازه‌های شهر تا میدان مرکزی امتداد دارند و بیشتر بار ترافیک شهر روی آن‌هاست. نکته مهم درباره شهرهای شمالی ایتالیا آن است که دیده‌های ورودی میدان عامل تعیین‌کننده‌ای در محل قرارگیری برج‌های مسلط بر فضای میدان به‌شمار می‌روند.

براساس مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده، شهر سیه‌نا کمترین مداخلات شهری را در طول تاریخ داشته است؛ بنابراین در ساختار شهر قرون وسطایی سیه‌نا می‌توان شاهد همه اجزای تشکیل‌دهنده یک شهر قرون وسطایی بود. حصار و دروازه‌های شهر همچنان در شهر وجود دارند و خیابان‌های تجاری از دروازه‌های آن به داخل شهر نفوذ یافته‌اند؛ به‌نحوی که تمام شهر را دربرگرفته‌اند. با توجه به متغیرهای استخراج شده و بررسی آن‌ها در نمونه‌های انتخاب‌شده،

۱. با توجه به از بین رفتن مسجد جامع شهر ری و نامشخص بودن مکان دقیق آن، همان‌گونه که دکتر نصر بیان می‌کنند، بقعه حضرت عبدالعظیم قلب مذهبی شهر را تشکیل می‌دهد.

2. Piazza del Campo
3. Pubblico Palace
4. Tower of Mangia

عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده شهر، از نظر سازمان فضایی^۱، ساختار فضایی^۲ و معماری و عملکرد^۳ مقایسه شده‌اند که یافته‌های این مقایسه در جدول ۱ آمده است.

نتیجه‌گیری

استخراج و مقایسه الگوی کالبدی شهرسازی ایران در دوره اسلامی و الگوی شهرسازی اروپا در دوره مقارن قرون وسطی ویژگی‌های منحصر به فرد هر دو شهرسازی را از نظر ریخت‌شناسی شهری آشکار می‌کند. شناسایی هویت شهرسازی ایرانی-اسلامی می‌تواند راهگشای توسعه و رشد شهرهای کشور ما و سایر کشورهای مسلمان‌نشین باشد. با تمرکز بر بعد کالبدی ریخت‌شناسی نمونه‌های شهرهای مختلف ایران و اروپا در بازه زمانی ثابت می‌توان عناصر و عوامل شهرسازی را از مقیاس بافت شهر (مانند محله، راه، حصار، میدان، دروازه) تا تک‌بناها براساس ویژگی‌های سازمان فضایی، ساختار توسعه، موقعیت، عملکرد، گونه‌بندی، مصالح، ارتفاع و شیوه ساخت مقایسه کرد. شباهت الگوهای ریخت‌شناسی غالب در این دو نوع شهرسازی از نظر بافت شهری، خیابان‌بندی، شکل‌گیری بلاک‌ها و قطعه‌بندی، بیشتر از اختلافات آن است. بیشترین اختلاف این دو الگو در مقیاس تک‌بنا و از نظر معماری خود را نشان می‌دهد. بناها به‌طور کلی در شهرها و در طی اعصار طول عمر و دوام کمتری نسبت به خطوط خیابان‌ها، بلوک‌ها و قطعات داشته است. مصالح سنگی رایج در اروپای قرون وسطی در مقابل مصالح خاکی و خشتی ایران دوره اسلام یکی از علل دوام بیشتر این بناها بوده است. تفاوت‌ها و شباهت‌های ناشی از امور طبیعی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و شرایط نظامی-سیاسی و ساختار حکومتی در شهرها از جمله علل اساسی تنوع کالبدی شهر در نقاط جغرافیای مختلف است که هویت مکان‌ها را شکل می‌دهد.

وجود شباهت‌ها در سازمان و ساختار این شهرها به دلیل عواملی مانند نیازهای فیزیولوژیکی انسان بوده که در میان همه انسان‌ها یکسان است. علاوه بر این نظام جنگ حاکم در این دوران که سبب رشد ارگانیک شهرها شده است و مهاجرت‌ها، سفرها و روابط تجاری میان شهرها، سبب ایجاد این شباهت‌ها در سازمان و ساختار فضایی این شهرها شده است. در بررسی عوامل و عناصر شکل‌دهنده شهر ایرانی-اسلامی و شهرهای اروپایی قرون وسطایی، عناصر به نحوی در شهر قرار می‌گیرند که علاوه بر ارتباط به کمک سیستم یکپارچه و واحد با هم، نیازهای کاربران خود را نیز برطرف می‌کنند. هویت این شهرها به کمک معماری متمایزشان مشخص می‌شده است. جهت توسعه‌های امروزی شهرها، به‌ویژه در کشور ما که کشوری اسلامی است، رعایت اصول و حفظ ساختار شهرهای کهن و توجه به توسعه مناسب بافت و تک‌بناها می‌تواند برای مقابله با رشد ناموزون فضاهای شهری و تقویت هویت مکان‌های آن مفید و پاسخگوی نیازهای کاربران باشد. بیشتر مطالعات مرتبط با ریخت‌شناسی شهرها، معمولاً به این صورت بوده که شهرهای مختلف در دوره‌های غیر هم‌زمان، یا یک شهر در دوره‌های مختلف با تأکید بر خیابان، بلوک، قطعه و ساختمان بررسی شده‌اند. رویکردهای فضایی‌تر و مقایسه‌های مکان‌های مختلف در دوره‌های ثابت می‌تواند علاوه بر وضوح ویژگی‌های کالبدی شهرسازی، تأثیر نظام اجتماعی را در شهرها آشکار کند. پژوهش‌های بیشتر درباره جنبه‌های غیرکالبدی شهرسازی، انتخاب نمونه‌های دیگر در دوره‌های کوتاه‌تر، نمونه‌های شهرهای نوبنیاد، روش‌های تکمیلی کمی و نیز توجه به الگوهای استثنایی و غیررایج می‌تواند در آینده در زمینه ریخت‌شناسی شهرهای ایران راهگشا باشد.

۱. در تعریف نظام‌های تحلیل عناصر در بافت شهر منظور از سازمان فضایی چیدمان و نظم اجزا (هم اصلی و هم فرعی) و ترتیب آن‌هاست که در این بررسی، از بالا به کل مجموعه نگاه می‌شود؛ برای مثال ارگانیک و غیرهندس بودن در این نظام مطرح می‌شود.

۲. ساختار فضایی، ترتیب قرار گرفتن عناصر اصلی و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر است و به عبارتی در بررسی ساختارها از درون به مجموعه نگاه می‌کنیم. نحوه قرارگیری تک‌تک عناصر در شهر در این نظام مطرح و بررسی می‌شوند.

۳. در معماری و عملکرد عناصر به ویژگی‌های معماری، توده و فضا و عملکردهای جانبی آن‌ها اشاره شده است.

جدول ۱. خلاصه نتایج مقایسه کالبدی بافت شهرهای ایرانی-اسلامی و اروپایی قرون وسطی

عناصر بافت	ویژگی	شهر ایرانی-اسلامی	شهر اروپایی-قرون وسطایی
محله	سازمان فضایی و شکل توسعه	- به دلیل رشد ارگانیک شهر، محله نیز با ویژگی‌های غیرهندسی و ارگانیک همراه است. - سازمان فضایی محله‌ها برحسب مذهب، قوم و قبیله، نژاد، زبان، فرقه، صاحبان مشاغل و...	- وجود محله‌های متراکم و پیوسته
	ساختار و نحوه قرارگیری	- شکل‌گیری محله‌ها در اطراف قطب تجاری (بازار/ خیابان تجاری)، قطب مذهبی (مسجد/ کلیسا) و فضای باز (میدان) شهر	- شکل‌گیری محله‌ها در اطراف قطب تجاری (بازار/ خیابان تجاری)، قطب مذهبی (مسجد/ کلیسا) و فضای باز (میدان) شهر
فضاهای تجاری	معماری و عملکرد	- محله‌ها تجهیزات و تأسیسات شهری مستقل به خود را دارند. - مرکز محله به‌عنوان فضای باز (میدانچه)	- تقسیم شهر به چهار یا... ناحیه که هر کدام کلیسای خود را دارند.
	سازمان فضایی و شکل توسعه	- قطب تجاری (بازارها و خیابان‌های تجاری) به‌صورت بی‌نظم و خودجوش - فضای تجاری، شاهراه اصلی شهر - ارتباط فضایی قطب تجاری شهر با مراکز اجتماعی و مذهبی و به عبارتی مرتبط با مرکز فیزیکی شهر	- شروع فضاهای تجاری از منطقه خارج از شهر - طی کردن دروازه‌ها، نفوذ به شهر و امتداد فضاهای تجاری تا قلب شهر - شکل‌گیری محله‌ها در مسیر حرکت فضاهای تجاری
راه	معماری و عملکرد	- یک گذر سرپوشیده و دارای دروازه و دری که شب‌ها بسته می‌شد. - راه‌ها به‌صورت ارگانیک و خودجوش	- خیابان تجاری متشکل از طبقه همکف خانه‌های مسکونی - وجود طاق‌نمای مزین سراسری به‌عنوان پیشخوان مغازه‌ها
	ساختار و نحوه قرارگیری	- سازمان فضایی و شکل توسعه - ساخت سلسله‌مراتبی خیابان‌ها - دارای فرم پیچ‌درپیچ و تنگتنگ - کشیده‌شدن خیابان‌های اصلی از دروازه‌ها تا مرکز شهر به ۳ دلیل: ۱. تداوم فضای بازار و خیابان تجاری ۲. خطوط اصلی ارتباطی	- تمایز نداشتن با محیط اطراف - ساخت سلسله‌مراتبی خیابان‌ها - دارای فرم پیچ‌درپیچ و تنگتنگ
فضای باز (میدان)	معماری و عملکرد	- ارائه پرسپکتیوهای مختلف از شهر به دلیل ساختار نامنظم و پیچ‌درپیچ - هم‌آمیزی فضای پر و خالی و تبدیل تدریجی فضاها به یکدیگر و در نتیجه توالی فضایی در شهرها - سرپوشیدگی برخی راه‌ها به دلایل اقلیمی و سازه‌ای - این سرپوشیدگی در برخی موارد به‌صورت سایاط	- ساختمان‌های بلند در دو طرف راه، پرسپکتیو راه را متفاوت می‌کند. - سرپوشیدگی برخی راه‌ها
	ساختار و نحوه قرارگیری	- سازمان فضایی و شکل توسعه - فضای محصور و بی‌شکل در ترکیب با راه‌ها - پیروی نکردن میدان از فرم هندسی خاص - هر شهر دارای یک فضای باز به‌عنوان میدان اصلی - میدان محل تلاقی عبور و مرورها و عملکردهای شهر و محل استقرار ساختمان‌های مهم - میدان در امتداد قطب تجاری شهر (بازار و خیابان تجاری) و راهی که به یکی از دروازه‌های شهر ختم می‌شد.	- فضای محصور و بی‌شکل در ترکیب با راه‌ها - پیروی نکردن میدان از فرم هندسی خاص - هر شهر دارای یک فضای باز به‌عنوان میدان اصلی - میدان محل تلاقی عبور و مرورها و عملکردهای شهر و محل استقرار ساختمان‌های مهم - میدان در امتداد قطب تجاری شهر (بازار و خیابان تجاری) و راهی که به یکی از دروازه‌های شهر ختم می‌شد.
حصار و دروازه	معماری و عملکرد	- دارای نقش‌های متعدد بازرگانی، مذهبی، تشریفاتی، سیاسی و تفریحی - نحوه احداث و شکل‌یابی میدان‌ها نقش مؤثری در چگونگی استقرار فعالیت‌ها و فضاها در آن داشته است. - وجود ورودی‌های متعدد به میدان	- میدان اصلی در جهت فعالیت‌های تجاری - جنبه اداری-نظامی و تشریفاتی میدان به‌عنوان مهم‌ترین کاربرد - فضای باز جلوی کلیسا (پارویس) در جهت تجمع مردم و مراسم مذهبی و - بعدها دارای کاربرد تجاری - شکل‌گیری هسته‌ای دویخشی توسط دو میدان
	ساختار و نحوه قرارگیری	- سازمان فضایی و شکل توسعه - تبعیت مسیر حصارها از توپوگرافی محل و در نتیجه نامنظم - فرم انتخاب‌شده برای باروها به‌گونه‌ای که حداکثر مساحت زمین را با حداقل طول دربرگیرند. - حصار به‌عنوان حدی که کالبد شهر را مشخص می‌کرد. - دروازه‌ها مبین خطوط رفت‌وآمد و نقش آن‌ها در شکل‌گیری خیابان‌های شهری - احداث بارویی بزرگ‌تر بر گرد شهر پس از رشد جمعیت و کمبود جا - قفل‌شدن دروازه‌های شهر و محصورشدن شهر سبب ایجاد احساس امنیت در شهروندان - عملکرد گمرکی و نظامی آن‌ها - در ابتدا جنس باروها از چوب بود، اما بعدها به سنگ و آجر تغییر یافت.	- تبعیت مسیر حصارها از توپوگرافی محل و در نتیجه نامنظم - فرم انتخاب‌شده برای باروها به‌گونه‌ای که حداکثر مساحت زمین را با حداقل طول دربرگیرند. - حصار به‌عنوان حدی که کالبد شهر را مشخص می‌کرد. - دروازه‌ها مبین خطوط رفت‌وآمد و نقش آن‌ها در شکل‌گیری خیابان‌های شهری - احداث بارویی بزرگ‌تر بر گرد شهر پس از رشد جمعیت و کمبود جا - قفل‌شدن دروازه‌های شهر و محصورشدن شهر سبب ایجاد احساس امنیت در شهروندان - عملکرد گمرکی و نظامی آن‌ها - در ابتدا جنس باروها از چوب بود، اما بعدها به سنگ و آجر تغییر یافت.

جدول ۲. عوامل کالبدی در تک‌بنا

کاربری	نمونه بنای شاخص	ویژگی	شهر ایرانی-اسلامی	هر اروپایی-قرون وسطایی
			<ul style="list-style-type: none"> - قرارگیری قطب‌های مذهبی در مرکز شهر به‌عنوان نقطه اصلی - حالت مرکزیت این دو بنا در شهر (به‌جز نقطه‌نظر هندسی) - بازار و خیابان تجاری در گسترش خود به سمت این دو بنا کشیده می‌شوند. - قرارگیری خانه‌های مسکونی در اطراف آن‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> - کلیسا در میدانی هم‌جوار میدان اصلی قرار می‌گیرد. - فضای تجاری به میدان اصلی و تجاری شهر می‌رسد، نه میدان کلیسا
			<ul style="list-style-type: none"> - به‌صورت گسترده استفاده از خشت و گل، آجر، کاشی 	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده گسترده از آجر و سنگ و در اواخر دوره، استفاده از شیشه
			<ul style="list-style-type: none"> - علاوه بر عملکرد مذهبی، مکانی برای تجمع مردم و گردهمایی‌های اجتماعی-مذهبی و فرهنگی-آموزشی 	
			<ul style="list-style-type: none"> - با توجه به مسائل اقلیمی و مذهبی در بیشتر موارد دارای معماری درون‌گرا (الهام از خانه کعبه) 	<ul style="list-style-type: none"> - دارای معماری برون‌گرا
			<ul style="list-style-type: none"> - براساس الگوی چهارتاقی که پیش از اسلام نیز در ایران استفاده می‌شده و فرم ساختمانی حیاط مرکزی 	<ul style="list-style-type: none"> - ابتدا براساس الگوی دادگاه‌های رومی (بازیلیکا) سپس براساس سبک رمانسک و از قرن ۱۲ به بعد به سبک گوتیک
			<ul style="list-style-type: none"> - ساخت مساجد به سمت قبله - استفاده از تزئینات آجرکاری و کاشی‌کاری 	<ul style="list-style-type: none"> - ساخت کلیساها رو به غرب و به سمت بیت‌المقدس - تأکید عمودی بر ساختمان و شفاف کردن دیوار کلیسا و بازی با نور در اواخر دوره (سبک گوتیک)

مسجد / کلیسا

منبع: نگارندگان^۱

سپاسگزاری

از استاد گرامی دکتر جهان‌شاه پاکزاد که با رهنمودهای ارزشمندشان در پیش‌برد پژوهش مؤثر بودند صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

۱. برای تلخیص مقاله تنها یک مورد از مؤلفه‌های تک‌بنا در جدول آمده است. برای مشاهده جداول مؤلفه‌های تک‌بنا به پایان‌نامه ارجاع داده می‌شود.

منابع

۱. اشپولر، برتولد، ۱۳۸۶، **تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی**، ترجمه مریم میراحمدی، جلد دوم، چاپ پنجم، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۲. اشرف، احمد، ۱۳۵۳، **ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی**، نشریه نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۷-۴۹.
۳. ابراهیمی، محمدحسن، ۱۳۸۸، **میدان؛ فضاهای تعریف‌نشده شهرهای ایرانی**، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۴، صص ۱۰۷-۱۲۰.
۴. اردلان، نادر و لاله بختیار، ۱۳۹۰، **حس وحدت نقش سنت در معماری ایرانی**، ترجمه و نداد جلیلی، انتشارات علم معمار روپال، تهران.
۵. امینی حاجی باشی، مهسا؛ محمود رضایی و علیرضا بندرآباد، ۱۳۹۵، **جایگاه ارزش‌های شهرسازی اسلامی در نظریه‌های معاصر برنامه ریزی شهری، شهرها و جوامع نوین**، همایش ملی معماری و شهرسازی از نظریه تا عمل، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۶. بنه‌ولو، لئوناردو، ۱۳۸۶، **تاریخ شهر شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطا**، ترجمه پروانه موحد، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۷. بورکهارت، تیتوس، ۱۳۹۲، **سینه‌نا شهر مریم مقدس**، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، نشر حکمت، تهران.
۸. بیکن، ادموند، ۱۳۸۶، **طراحی شهرها**، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ دوم، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۹. پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۹۰، **تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران قاجار**، چاپ اول، انتشارات آرمان‌شهر، تهران.
۱۰. پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۹۲، **تاریخ شهر و شهرنشینی در اروپا از آغاز تا انقلاب صنعتی**، چاپ دوم، انتشارات آرمان‌شهر، تهران.
۱۱. پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۹۴، **گزارش کلاس بررسی تطبیقی شهر اسلامی و اروپایی**، کانون معماران معاصر.
۱۲. یازوکی، ناصر، ۱۳۸۸، **چشمه‌علی و باروی ری**، چاپ اول، سازمان زیباسازی شهر تهران، تهران.
۱۳. پوراحمد، احمد و ابوذر وفایی، ۱۳۹۳، **مقایسه تطبیقی ساختار شهر اسلامی با شهر غربی (با تأکید بر نظریه شهر ماکس وبر)**، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۸، صص ۵-۱۲.
۱۴. پورمحمدی، محمدرضا و سیروس جمالی، ۱۳۹۰، **واکاوی مکتب‌های مورفولوژی شهری**، مجله مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، شماره پنجم، صص ۱-۱۶.
۱۵. حبیبی، محسن، ۱۳۹۲، **از شار تا شهر تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن**، چاپ سیزدهم، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۶. خداوردی، حسن، ۱۳۸۷، **متودولوژی پژوهش کیفی**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲۱، صص ۴۱-۶۲.
۱۷. خواجه‌نبی، فهیمه و محمد کوچکی، ۱۳۹۲، **بررسی و تحلیل نقش بازار در توسعه شهرهای اسلامی**، همایش ملی معماری و شهرسازی انسان‌گرا، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
۱۸. دانش، جابر، ۱۳۸۹، **مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی**، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱، صص ۱۵-۳۱.
۱۹. رضایی، محمود، ۱۳۹۲، **ارزش‌های جاوید و جهان‌گستر شهرسازی اسلامی**، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۳، صص ۱۶۹-۱۹۰.

۲۰. زیاری، کرامت‌الله، ۱۳۸۲، تأثیر فرهنگ در ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی)، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۲، صص ۹۵-۱۰۹.
۲۱. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۹۰، تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران، چاپ اول، انتشارات چهارطاق، تهران.
۲۲. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۸۹، تبریز خستی استوار در معماری ایران، چاپ دوم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۲۳. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۷۲، فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، چاپ دوم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران، تهران.
۲۴. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۹۵، موقعیت مساجد جامع و ارتباط آن با سایر فضاهای مهم در شهرهای تاریخی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۲، صص ۳۶۳-۳۶۷.
۲۵. صادقی، شهرزاد، ۱۳۹۳، شکل‌گیری فضاهای نوین شهری مبتنی بر الگوی پایدار شهر اسلامی، به راهنمایی دکتر محمود رضایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران.
۲۶. صفوی، سید علی، رضایی، محمود، سعادت‌مندی، مژگان. (۱۳۹۷). کاربرد اصول نوشهرگرایی مطابق با شناسه‌های شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: محله مسکونی و قدیمی رباط‌کریم (رباط کهنه)). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۰(۴)، ۹۲۹-۹۴۴.
۲۷. عثمان، محمدعبدالستار، ۱۳۷۶، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۸. علی‌زاده، هوشمند و کیومرث حبیبی، ۱۳۹۰، عوامل شکل‌دهنده شهرهای اسلامی-تاریخی مسلمانان، نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۳، صص ۷۱-۷۶.
۲۹. عینی‌فر، علیرضا، ۱۳۸۶، نقش غالب الگوهای عام اولیه در طراحی محله‌های مسکونی معاصر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۲، صص ۳۹-۵۰.
۳۰. فلاحت، سمیه، ۱۳۹۰، برساخت مفهوم شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، شماره ۳، صص ۳۵-۴۴.
۳۱. فلامکی، محمدمنصور، ۱۳۹۱، شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب، چاپ سوم، نشر فضا، تهران.
۳۲. قبادیان، وحید و محمود رضایی، ۱۳۹۲، نخستین میدان مدرن شهر تهران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۴، صص ۱۷۷-۱۹۶.
۳۳. کریمان، حسین، ۱۳۵۴، ری باستان، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران.
۳۴. کریمان، حسین، ۱۳۷۱، ری باستان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳۵. کیانی، محمدیوسف، ۱۳۶۸، شهرهای ایران، جلد سوم، چاپخانه فرهنگی و ارشاد اسلامی، تهران.
۳۶. کیانی، محمدیوسف، ۱۳۸۴، تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی، نشر سمت، تهران.
۳۷. کوئو، پاتولو، ۱۳۸۴، تاریخ شهرسازی جهان اسلام، ترجمه سعید تیزقلم زنوزی، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، تهران.
۳۸. مامفورد، لوئیس، ۱۳۸۱، شهر در بستر تاریخ، ترجمه احمد عظیمی بلوریان، چاپ اول، خدمات فرهنگی رسا، تهران.
۳۹. موریس، جیمز، ۱۳۷۴، تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی، ترجمه رضیه رضازاده، چاپ دوازدهم، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

۴۰. موحد، علی، شماعی، علی و ابوالفضل زنگانه، ۱۳۹۱، **بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری)**، فصلنامه علمی-تخصصی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۵، صص ۳۷-۵۱.
۴۱. نقی‌زاده، محمد، ۱۳۸۹، **تأملی در چیستی شهر اسلامی**، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، شماره ۹، صص ۱-۱۴.
۴۲. نقی‌زاده، محمد، ۱۳۷۴، **صفات شهر اسلامی در متون اسلامی**، مجله هنرهای زیبا، شماره ۴ و ۵، صص ۴۷-۶۱.
۴۳. نصر، سید حسین، ۱۳۸۹، **هنر و معنویت اسلامی**، انتشارات حکمت، تهران.
۴۴. نقره‌کار، عبدالحمید، ۱۳۸۷، **درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی**، چاپ اول، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
45. Abu Lughod, J. L., 1987, **The Islamic City: History Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance**, International Journal of Middle East Studies, PP. 155-176.
46. lizadeh, H., and Habibi, K., 2011, **Shaping Factors in Historical Islamic Cities**, Iranian Islamic City Journal, No. 3, PP. 71-76. *(In Persian)*
47. Amini Hjjibashi, M., 2016, **A Comparative Study of Islamic Urbanism and Urban Medieval Times in Europe in Terms of Morphology**, Supervised By Mahmdd Reiaei, Matter's ssssss ss Urnan Design, IAUCTB. *(In Persian)*
48. Ardalan, N., 2011, **The Sense of Unity: The Sufi Tradition in Persian Architecture**, Translated by Vandad Jalili Into Farsi, Science Architect Royal, Tehran. *(In Persian)*
49. Ashraf, A., 1974, **Historical Features of Urbanization in Iran Islamic Period**. *(In Persian)*
50. Bacon, E., 2007, **Design of Cities**, Translated by Farzaneh Taheri Into Farsi, 2nd Ed, Tehran: Center for Urban Studies and Architecture of Iran. *(In Persian)*
51. Benevolo, L., 2007, **The History of the City**, Translated by Parvaneh Movahed Into Farsi, University Publisher Center. *(In Persian)*
52. Burckhardt, T., 2009, **Art of Islam: Language and Meaning**, World Wisdom.
53. **Burckhardt, T., 2013, Siena, City of the Virgin, Translated by Mehrdad Vahdati Into Farsi, Hekmat, Tehran. (In Persian)**
54. Cuneo, P., 2005, **Storia Dell'urbanistica**, Translated by Saeed Tizghalam Zonouzi Into Farsi, The Ministry of Housing and Urban Development, Tehran. *(In Persian)*
55. Danesh, J., (2010), **Principles of Formation and Organization of Islamic City**, Iranian Islamic City Journal, No. 1, PP. 15-31. *(In Persian)*
56. Ebrahimi, M., 2009, **Square; Not Defined Spaces in Iranian Cities**, Hoviatshahr Journal, No. 4, Tehran, PP. 107-120. *(In Persian)*
57. Einifar, A., 2007, **Dominant Role of Common Patterns in Contemporary Residential Neighborhoods Design**, Honar-Ha-Ye-Ziba Journal, No. 32, PP. 39-50. *(In Persian)*
58. Falamaki, M., 2012, **La Formation De L'Architecture Dans Les Experiences De L'Iran Et Des Pays De L'Occident**, Ed 3, Faza Publication, Tehran. *(In Persian)*
59. Falahat, S., 2011, **The Construction of the Islamic City**, Iranian Islamic City Journal, No. 3, PP. 35-44. *(In Persian)*
60. Gallion, E., 1963, **The Urban Pattern: City Planning and Design**, 2ND Edition
61. Ghobadian, V., and Rezaei, M., 2013, **The First Modern Plaza in Tehran**, Human Geography Research Quadterly, No. 4, PP. 177-196. *(In Persian)*
62. Habibi, M., 2013, **De La Cite A La Ville Analyse Historique De La Conception Urbaine Et Son Aspect Physique**, Tehran University, Publishing Institute, Tehran. *(In Persian)*
63. Kariman, H., 1975, **Ancient Ray**, Shahid Beheshti University Publisher, Tehran. *(In Persian)*

64. Kariman, H., 1992, **Ancient Ray**, Shahid Beheshti University Publisher, Tehran. *(In Persian)*
65. Khajeh Nabi, F., and Kouchaki, M., 2013, **Analyzing The Role of the Market in Islamic Cities**, National Conference on Architecture and Urbanism Humanist, Qazvin Islamic Azad University. *(In Persian)*
66. Khodaverdi, H., 2008, **Qualitative Research Methodology**, Institute for Humanities and Cultural Studies, No. 21, PP. 41-62. *(In Persian)*
67. Kiani, M., 2005, **Iranian Architecture of the Islamic Period**, Tehran. *(In Persian)*
68. Kiani, M., 1989, **Cities of Iran**, Vol. 3, Cultural Printer and Islamic Guidance. *(In Persian)*
69. Morris, J., 1995, **History of Urban Form Before the Industrial Revolution**, Translated by Razieh Rezazadeh Into Farsi, 12th Ed, Tehran, Science and Industry University. *(In Persian)*
70. Movahed, A. and Shamaei, A., 2012, **Recognition of Physical Identity in Islamic Cities**, Quarterly of Geography (Regional Planning), No. 5, PP. 37-51. *(In Persian)*
71. Mumford, L., 2002, **The City in History**, Translated by Ahmad Azimi Into Farsi, First Ed, Rasa Cultural Services, Tehran. *(In Persian)*
72. Naghizadeh, M., 2010, **Contemplation on Islamic City Quiddity**, Iranian Islamic City Journal, No. 9, PP. 1-14 *(In Persian)*
73. Naghizadeh, M., 1995, **Islamic City Characteristics in Islamic Texts**, Honar-Ha-Ye-Ziba Journal, No.4 and 5, PP. 47-61. *(In Persian)*
74. Nasr, H., 2010, **Islamic Art and Spirituality**, Hekmat Publisher, Tehran. *(In Persian)*
75. Noghrekar, A., 2008, **Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism**, First Ed, The Ministry of Housing and Urban Development, Tehran. *(In Persian)*
76. Osman, A., 1997, **Islamic Medina**, Translateb by Ali Cherghi Into Farsi, First Ed, Amirkabir Publisher. Tehran. *(In Persian)*
77. Pakzad, J., 2011, **The History of Iranian City From Beginning to Qajar Dynasty**, First Ed, Armanshahr, Tehran. *(In Persian)*
78. Pakzad, J., 2013, **History of European City From Greek Polis to Industrial Revolution**, 2nd Ed., Armanshahr, Tehran. *(In Persian)*
79. Pazouki, N., 2009, **Cheshmeh Ali and Rey Castle**, First Ed, Tehran: Tehran Beautification Organization. *(In Persian)*
80. Peychev, S., 2010, **Max Weber and the Islamic City**, Retrieved January 1, 2011, From Academia, edu: <http://illinois.academia.edu/stefanpeychev/about>.
81. Pour Ahmad, A., and Vafaei, A., **Comparative Comparison of Islamic City Structure with Western City**, Iranian Islamic City Journal, No. 18, PP. 5-12. *(In Persian)*
82. Pourmohammadi, M., and Jamali, S., 2011, **Analysis of the Morphology of Urban Schools**, Geographical Studies of Arid Zones Journal, No. 5, PP. 1-16. *(In Persian)*
83. Rezaei, M., 2013, **Eternal and International Concepts of Islamic Cities (Revealing Urban Islamic Views Far Beyond the Body and Time)**, Human Geography Research Quarterly, No. 3, PP. 169-190. *(In Persian)*
84. Sadeghi, SH., 2014, **The Formation of Modern Urban Spaces Based Sustainable Model Islamic City**, Sppervssed mm mammid Reiaei, tatte rth hheii nnnr nan Deii nn, IUUBBB. *(In Persian)*
85. Soltanzadeh, H., 2016, **Mosques Location and Their Relationship with Other Important Spaces in Historic Cities**, Human Geography Research Quarterly, No. 2, PP. 363-367. *(In Persian)*

86. Soltanzadeh, H., 2010, **A Solid Cornerstone of Iranian Architecture**, 2nd Ed, Cultural Research Bureau, Tehran. (*In Persian*)
87. Soltanzadeh, H., 2011, **A Brief of the City and Urbanization in Iran**, First Ed, Chahartagh Publisher, Tehran. (*In Persian*)
88. Soltanzadeh, H., 1993, **Urban Spaces in the Historical Texture of Iran**, 2nd Ed, Cultural Research Bureau, Tehran. (*In Persian*)
89. Spahic, O., 2005, **The Prophet Muhammad (PBUH) and Urbanization of Madinah**, IIUM Press.
90. Spuler, B., 2007, **Iran in the Early Islamic Period**, Translated by Maryam Mirahmadi Into Farsi, Vol 2, 5th Ed, Cultural Academic Press, Tehran. (*In Persian*)
91. UNESCO World Heritage Centre
92. Whitehand, W. R., 2007, **Conzenian Urban Morphology and Urban Landscapes**, nn “6Th International Space Syntax Symposium, Istanbul, 2007.
93. WHC.Unesco.Org/En/List/717 (World Heritage List, Siena, NO717)
94. Zyari, K., 2003, **The Impact of Culture in the City (Emphasis on Islamic Culture)**, Geography and Development Iranian Journal, No 2, PP. 95-109. (*In Persian*) 20's District of Tehran Municipality, <http://region20.tehran.ir>.

